

عربی (۳)

سوالات امتحانی هماهنگ کشوری - فرورد ماه ۱۳۸۷

۱- السؤال الاول: ترجم العبارات التالية إلى الفارسية:

- ۱- بادر الفرصة و اغتنم عمرک أيام الصبا.
- ۲- قرین المادّة جُسیمٌ مجهولٌ یحمل شحنةً تُخالف الإلكتروني.
- ۳- نحن نُقدّمُ مثل هذه الهدایا لأصدقائنا و هم یقبلونها.
- ۴- إن کسرت مؤمناً فعلیک جیره.
- ۵- إلهی جُد علیّ بفضلک إن كنتُ غیرمُستأهلٍ لرحمتک.
- ۶- ترنمت الخنساءُ آیهً حامدةً ربّها لاستشهادِ أبناءها.

۲- السؤال الثاني: اكتب:

- (الف) « الذریعة » بالفارسیة
 (ب) « بیهوده » بالعربیة
 (ج) ضیدّ « السُرور »
 (د) مترادف: « یدعُ »

۳- السؤال الثالث: اقرأ النصّ التالي ثم اجب إجابة كاملة:

« كانت المراسیمُ منعقدة لتکریمِ أبی سمیرة الذی ضحی بنفسه؛ الشّهءاء فی ذاكرتنا لأنّهم أفضلُ الناسِ إیماناً و عملاً »
 « نحن نستطیع أن نعوصَ فی البحارِ أكثرَ مِن مائتی متر و هذا بفضلِ المُعدّاتِ الحدیثة. »

- (الف) لماذا انعقدتِ المراسیمُ؟
 (ب) ما هو سببُ تبجیلِ أبی سمیرة؟
 (ج) كم نعوصُ فی البحارِ؟
 (د) ما یساعدنا علی الغوصِ؟

۴- السؤال الرابع: عین الصحیح عن ترجمة أو تعریب العبارات التالية:

- (الف) لاتذکروا أحداً إلّا ربکم.
 (۱) هیچ کس را جز خدایتان یاد نکنید.
 (ب) فرّ المشرکون المذعورون خائفین.
 (۲) فقط خدایتان را یاد کنید.
 (ج) ادعو ربّنا أن یغفرلنا ذنوبنا.
 (۱) مشرکان ، ترسان و نگران فرار کردند.
 (۲) مشرکان وحشت زده ، ترسان فرار کردند.
 (د) ای نفس از آخرت غافل مباش.
 (۱) از پروردگاران بخواه که گناهانمان را بیامزد.
 (۲) از پروردگاران می خواهم که گناهانمان را ببخشد.
 (۱) یا ایتهای نفس! لاتغفلی عن الآخرة
 (۲) یا النفس! لاتغفل عن الآخرة.

۵- السؤال الخامس: عین الصحیح فی ترجمة ما أُشیر الیه بخطّ:

- ۱- حینئذ تلا العجوز العبارة الشریفة (بعد از آن ، در هنگام تلاوت ، در این زمان)
- ۲- إنما ینتفع الخفاش بقوة سمع حادّة. (نفع می رساند ، سود می برد ، لذت می برد)
- ۳- من ضیع النعم فقد کفر بها. (کافر شده است ، ناسپاسی می کند ، هدر می دهد)
- ۴- یحترمُ الإسلامُ الأطفال علی حدّ سواء. (یکسان ، جداگانه ، بخصوص)

٦- السؤال السادس: صحّح الأخطاء في الترجمة:

١- أرجو يا ربّ أن تنطقني بالهدى.

اميد داشتم پروردگار مرا با هدايت به سخن بياورد.

٢- ظاهرة ظلمة البحر اكتشفها العلماء في السنوات الأخيرة.

دانشمندان پديده تاریکي را در سال اخير كشف کرده اند.

٣- تقف الرميضاء قرب خيمة الرسول متربضة.

رميضاء کنار خيمه رسول ايستاد و كمين كرد.

٧- السؤال السابع: ميّز المفعول فيه ، الفعل المعتل و نوعه ، الحال و صاحبها ، التمييز ، المستثنى و المستثنى منه ، المفعول المطلق و نوعه في العبارات التالية:

كانت سميرة غارقة في أفكارها حينما سمعت صوت المديرة قائلة: إنك خير التلميذات خلقاً- يتمتع المسلمون بالعلم تمتعاً كثيراً و لا يطلبون شيئاً إلا الحسنة.

٨- السؤال الثامن: شكّل ما أشير اليه بخطّ:

أيها الأعداء! كثر المسلمون تجربة في الماضي و اعترف علماء الغرب و غيرهم بفضلهم.

٩- السؤال التاسع: املا الفراغ بالكلمة المناسبة:

١- يا خلصنا من الفقر (غنيّ - غنيّ - غنيّ)

٢- بعض الموجات لم إلى الخفاش. (يرتدّ - يرتدّ - يرتدّ)

٣- ماكنتما إلّا (خاشعان - خاشعين - خاشعين)

٤- كان الإنسان لا يستطيع أن يغوض في البحر أكثر من عشرين (متراً ، متر ، المتر)

٥- تُشاهد ظاهرة قوس قزح في السماء (جميلاً ، جميلة ، جميلين)

٦- استسلم الأب لولده المسكين. (المفعول المطلق المناسب)

٧- الإسلام يهتم باحترام شخصية البنين و (بناتاً ، البنات ، البنات)

٨- الوالدة و تتعجب من أعمال أولادها. (المضارع من « اشتكى »)

١٠- السؤال العاشر: صحّح الأخطاء:

١- تسعى السيّد المُجدي أن يستفيد من الكلمات القليلة.

٢- أعظم الأمراض خطر هو الجهل و دواؤها الحبر.

١١- السؤال الحادي عشر:

الف) أعرب ما أشير اليه بخطّ: كانت الأيام قريبة من عيد الأضحى و الناس تذوّقوا حلو الحياة و سرورها.

ب) صحّح الأخطاء في التحليل الصرفي: أحضرت الخنساء أسلحة أولادها.

أحضرت = فعل ماضٍ - للمخاطبة - مجرد ثلاثي - صحيح - لازم - معلوم - معرب

اسلحة = اسم ، مفرد ، مشتق ، نكرة ، معرب ، غير منصرف

پاسخ سوالات امتحانی هماهنگ کشوری - فرورد ماه ۱۳۸۷

۱- عبارت های زیر را به فارسی ترجمه کنید:

- ۱- فرصت را غنیمت شمار و در ایام کودکی عمرت را غنیمت شمار.
- ۲- پاد ماده جسم کوچک ناشناخته ای است که باری مخالف الکترون حمل می کند.
- ۳- ما مثل این هدایا را به دوستانمان تقدیم می کنیم و ایشان آنها را می پذیرند.
- ۴- اگر مومنی را بشکنی جبران آن بر تو لازم است.
- ۵- خدایا اگر من شایسته رحمت نیستم به واسطه فضلت بر من ببخش.
- ۶- خنساء آیه ای را زیر لب تکرار کرد در حالی که پروردگارش را به خاطر شهادت فرزندانش می ستود.

۲- بنویسید:

الذریعة : بهانه - وسیله بیهوده: العبث ضد السرور: الحزن مترادف يدع: يترک

۳- متن زیر را خوانده و پاسخ کامل بدهید.

(الف) انعقدت المراسيم لتكريم ابى سميرة.
(ب) سبب تبجيلة تضحيته بنفسه (سبب تبجيلة أنه ضحى بنفسه)
(ج) نغوص فى البحار اكثر من مائتى متر.
(د) يساعدا (تساعدنا) على الغوص المعدات الحديثة.

۴- ترجمه درست یا تعریب درست را معین کنید:

(الف) گزینه ۱ : لاتذكروا فعل نهی به معنای یاد نکنید می باشد و چون مستثنی مفرغ نیست گزینه ۱ انتخاب شد.

(ب) گزینه ۲: مذعور به معنای وحشت زده و خائف به معنی ترسان است. در ضمن المذعورون به عنوان صفت المشركون به کار رفته است.

(ج) گزینه ۲: اذعو فعل مضارع متکلم وحده به معنی می خواهم (می خوانم) می باشد.

(د) گزینه ۱: هرگاه منادی الف و لام داشته باشد بین آن و حرف ندا ، برای مؤنث از ایتها استفاده می شود. (نقس مؤنث مجازی است) در ضمن فعل جمله نیز به خاطر نفس باید صیغه للمخاطبة باشد. (لاتغفلى)

۵- ترجمه درست را تعیین کنید:

۱- در این زمان : حينئذ به معنی در این زمان است.

۲- سود می برد: يَنْتَفِعُ از باب افتعال به معنای سود می برد است و نیازی به مفعول ندارد یعنی فعل لازم است.

۳- ناسپاسی می کند: فعل شرط و جواب شرط هرگاه ماضی باشند معمولاً معنای مضارع می دهند در ضمن کفر در این عبارت به معنی ناسپاسی کردن است.

۴- یکسان: سواء به معنای « یکسان ، برابر» به کار می رود.

۶- اشتباهات در ترجمه را تصحیح کنید:

۱- امید داشتم ← امید دارم: آرْجُو فعل مضارع متکلم وحده به معنی « امید دارم» می باشد.

پروردگار ← ای پروردگار: رَبِّ در این عبارت پس از حرف ندای «یا» آمده است به معنی ای پروردگار می باشد.

بیاورد ← بیاوری: تنطق فعل مضارع صیغه للمخاطب به معنی به سخن بیاوری می باشد.

۲- تاریکی ← تاریکی دریا: ظلمة البحر، مضاف و مضاف الیه است که مضاف الیه یعنی البحر به معنی دریا در عبارت ترجمه نشده است.

سال ← سال ها: السنوات جمع السنة به معنی سال ها می باشد.

۳- کنار ← نزدیک: قُرْب به معنی نزدیک است.

ایستاد ← می ایستد: تَقَفُ فعل مضارع از وَقَفَ به معنی می ایستد می باشد.

کمین کرد ← در کمین: متربصَةً حال مفرد است نه فعل و به معنی «در کمین» می باشد.

۷- مفعول فیه و فعل معتل و را مشخص کنید.

مفعول فیه: حینما: بر زمان انجام فعل دلالت دارد (در هنگام شنیدن صدای مدیر غرق در افکار خود بود)

فعل معتل: کانت؛ کانت از کَوْن فعل معتل است چون عین الفعل آن حرف عله است.

نوع معتل: اجوف: حروف اصلی آن ک-و-ن می باشد پس فعل اجوف واوی است.

حال: قائلة؛ اسم مشتق منصوب نکره ای است که حالت خانم مدیر را بیان می کند.

صاحب حال: المدیرة؛ چون قائلة حالت المدیرة را بیان می کند پس این کلمه صاحب حال است.

تمییز: خُلُقاً؛ اسم منصوب جامدی که پس از اسم تفضیل می آید تمییز است. (خَیْر به معنای «بهترین» اسم تفضیل و دارای ابهام می

باشد که برای رفع آن ابهام به تمییز نیاز است.)

مستثنی: الحسنات؛ اسمی که پس از حرف استثنای اِلَّا می آید مستثنی نامیده می شود.

مستثنی منه: شیئاً؛ اسمی که مستثنی از آن جدا و خارج می شود و قبل از اِلَّا می آید مستثنی منه نام دارد. در عبارت الحسنات از

شیئاً جدا و خارج شده است.

مفعول مطلق: تَمَتَّعاً؛ مصدر منصوبی که از جنس و ریشه فعل جمله به منظور تأکید یا بیان نوع فعل می آید مفعول مطلق است. تَمَتَّع

مصدر و از جنس فعل یَتَمَتَّعُ می باشد.

نوع آن: نوعی (بیانی): هرگاه پس از مصدر صفت یا مضاف الیه بیاید مفعول مطلق نوعی است در این جا کثیراً صفت تَمَتَّعاً می باشد.

۸- حرکت گذاری کنید:

الاعزاء؛ هرگاه منادی ال داشته باشد پس از حرف ندا برای مذکر ائِها می آوریم. اَیُّ منادی نکره مقصوده و مبنی بر ضم است و اسمی

که پس از آن می آید اگر مشتق باشد به عنوان نعت تابع اَیُّ می باشد یعنی مرفوع می باشد.

تجربیه؛ تمییز است چون فعل کَثُرَ دارای ابهام است و چیزهای زیادی را می توان احتمال داد پس برای رفع ابهام نیازمند تمییز است و

آن منصوب است.

علماء؛ فاعل فعل اعترف است و فاعل مرفوع است.

الغرب؛ مضاف الیه و مجرور است.

غیر؛ معطوف و مرفوع است (واو حرف عطف است و «غیر» را به «علماء» که فاعل و مرفوع است عطف کرده است پس آن نیز

مرفوع به تبعیت است.)

فضل؛ پس از حرف جرّ «با» آمده و مجرور است.

۹- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

- ۱- غنی: منادی و نکره مقصوده است پس مبنی بر ضم است (اعراب منادی نکره مقصوده مبنی بر ضم است)
- ۲- یرتد: فعل مضارع مضاعف (افعالی که مجرد آنها حرف مشدّد دارد) در حالت جزم معمولاً با فتحه می آید و ساکن نمی گیرد.
- ۳- خاشعین: این کلمه مستثنی مفرغ است و چون خبر کان می باشد منصوب است و از آن جا که اسم کان مثنی است (تُما) پس خبرش نیز مثنی است.
- ۴- متراً: اسم هایی که پس از عدد می آیند و ابهام آن را از بین می برند تمییز و منصوب هستند.
- ۵- جمیلة: این کلمه حال و منصوب است چون حالت پدیده رنگین کمان را در آسمان که حکایت از زیبایی آن دارد بیان می کند.
- ۶- استسلام: مفعول مطلق ، مصدری از جنس و ریشه فعل جمله است و چون فعل جمله از باب استفعال است پس مصدر آن استسلام بر وزن استفعال می شود.
- ۷- البنات: این کلمه معطوف به البنین به واسطه حرف عطف «واو» است و اعراب معطوف تابع معطوف علیه است چون البنین مضاف الیه و مجرور است پس البنات نیز به تبعیت مجرور می شود.
- ۸- تَشْتَكِي: فاعل جمله « الوالدة» مونث است پس فعل جمله نیز باید مفرد مؤنث باشد (فعل « اِشْتَكِي» از باب افتعال و مضارع آن یشتکی می باشد)
- ۱۰- اشتباهات را تصحیح کنید:
- ۱- تَسْعَى ← يَسْعَى : السَّيِّدُ فاعل فعل ، مذکر است پس فعل نیز باید مذکر باشد.
- يَسْتَفِيدُ ← يَسْتَفِيدُ: فعل مضارع پس از حرف ناصبه «أَنْ» آمده است پس باید منصوب باشد.
- ۲- خَطَرٌ ← خَطَرًا : این کلمه پس از اسم تفضیل اَعْظَمُ آمده که دارای ابهام است پس خطراً تمییز و منصوب است.
- دواؤها ← دواؤه: ضمیر « دواؤه» به الجهل برمی گردد و چون الجهل مذکر مجازی است پس ضمیر متصل آن باید مذکر یعنی «ه» باشد.
- ۱۱- الف) ترکیب کنید:
- قريبة: خبر کان و منصوب / الاضحی: مضاف الیه و مجرور تقدیراً / حُلُو: مفعول به و منصوب / سرورها: معطوف و منصوب به تبعیت ب) اشتباهات در تجزیه را تصحیح کنید:
- أخْضَرَتْ: للمخاطبة ← للغائبة : صیغه چهارم فعل یعنی للغائبة است و با علامت تاء ثانیت ساکنه آمده است.
- مجرد ثلاثی ← مزید ثلاثی : این فعل با یک حرف زائد از باب افعال است.
- لازم ← متعدی: این فعل نیاز به مفعول دارد پس متعدی است (مفعول آن اسلحة می باشد)
- معرب ← مبنی: تمام فعل های ماضی مبنی هستند.
- اسلحة: مفرد ← جمع: اسلحه جمع و مفرد آن سلاح است.
- مشتق ← جامد: این کلمه در هیچ یک از گروه های هشتگانه اسم مشتق قرار نمی گیرد پس جامد است.
- نکره ← معرفة: این کلمه معرفة به اضافه است.
- غیرمنصرف ← منصرف: جمع های مکسر بر وزن مفاعیل یا مفاعیل یا نظایر اینها غیرمنصرف هستند و اسلحة جزء هیچ یک از این وزن ها نیست پس منصرف است.